



## راهکارهای بصری در مصورسازی و مشروعیت‌بخشی به احکام نجوم در فال‌نامه‌های مصور دوره صفویه

سعید اخوانی\* فتانه محمودی\*\*

### چکیده

باور به تأثیر وضعیت اجرام آسمانی بر اتفاقات و رویدادهای زندگی انسان، از دیرباز در میان اقوام مختلف متداول بوده است. مفاهیم احکام نجومی در هنر ایران به صورت نقش‌مایه‌های تزئینی در فلزکاری و دیگر هنرهای کاربردی در دوره‌های مختلف مورد استفاده قرار گرفته است، اما در فال‌نامه‌های مصور دوره صفویه، این مفاهیم نه در ساحت تزئین بلکه در ماهیت اصلی خود؛ یعنی ابزاری برای پیش‌گویی ظاهر شده است. پیش‌گویی از طریق احکام نجومی در دوره اسلامی، با ممنوعیت نهاد دینی مواجه بوده است. با توجه به نقش تعیین‌کننده مذهب در حکومت صفویان، این مسأله مطرح می‌شود که پیش‌گویی از طریق استفاده از مفاهیم احکام نجومی چگونه در نگارگری فال‌نامه‌های مصور عصر صفوی نمود پیدا کرده و چه راهکارهایی برای مشروعیت‌بخشی به آن در برابر ممنوعیت نهادهای دینی اتخاذ شده است؟ در این مقاله برای پرداختن به این مسأله با روش توصیفی-تحلیلی-تطبیقی، چهار نسخه فال‌نامه طهماسبی (پراکنده)، فال‌نامه فارسی موزه توپقاپی‌سرای، فال‌نامه فارسی درسدن آلمان و فال‌نامه ترکی سلطان احمد اول مورد مطالعه قرار گرفته است. در این پژوهش، ابتدا حضور مفاهیم احکام نجومی در نگاره‌های این چهار نسخه مورد بررسی قرار گرفته و پس از آن، نحوه تصویرسازی مفاهیم احکام نجوم و راهکارهای مشروعیت‌بخشی به این شیوه پیش‌گویی، تطبیق داده شده است. نتیجه این پژوهش حاکی از این است که به دلیل ممنوعیت شرعی استفاده از احکام نجوم در پیش‌گویی، این مضامین در نگاره‌های قدیمی‌ترین نسخه فال‌نامه مورد استفاده قرار نگرفته و تنها در متن فال آن به این مفاهیم اشاره شده است، اما در نسخه‌های بعدی، این مفاهیم به‌طور مستقیم در نگاره‌ها تصویرسازی شده و از راهکارهایی مثل استفاده از آیات قرآنی در هر نگاره، استفاده از شمایل‌های مذهبی در کنار مضمون تنجیم و هم‌چنین استفاده از تصویر فرشتگان برای مشروعیت‌بخشیدن به کاربرد احکام نجومی در پیش‌گویی، بهره گرفته شده است.

**کلیدواژه‌ها:** نگارگری دوره صفویه، فال‌نامه‌های مصور، باور به پیش‌گویی، مصورسازی احکام نجومی، راهکارهای بصری مشروعیت‌بخشی

\* دانش‌آموخته کارشناسی ارشد پژوهش هنر، دانشگاه مازندران.

\*\* دانشیار، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه مازندران (نویسنده مسئول).

## مقدمه

همان‌طور که از نام آن پیدا است فال‌نامه، کتابی از فال‌ها است که همراه با تصاویر در قرن ۱۶ میلادی گردآوری شده است. فال‌نامه‌های دیگری هم بوده‌اند که بدون تصویرسازی تهیه شده‌اند، اما عاملی که این آثار را ویژه و نادر می‌کند؛ این است که تصاویر همراه با فال هستند که امر پیش‌گویی را میسر می‌کنند و این همان نکته‌ای است که این آثار را در مقایسه با فال‌نامه‌های تصویرپردازی نشده برجسته می‌کند. فن پیش‌گویی و علاقه به دریافتن آینده، سنتی دیرینه در جهان اسلامی بوده است که شامل ردیابی جایگاه ستارگان، طالع‌بینی و تعبیر خواب می‌شود. از میان تمامی این روش‌ها، این متون تصویرپردازی شده، باشکوه‌ترین نوع تجلی پدیده پیش‌گویی هستند؛ چرا که این نسخ نه برای مردم عادی بلکه برای اشرافیان تهیه شده‌اند. فالگیرهایی در اصفهان و نقاط دیگر ایران و هم‌چنین در استانبول بوده‌اند که مردم عادی به‌سراغ آنها می‌رفتند و آنها ابزارهای مختلفی را نه‌فقط برای پیش‌گویی آینده، بلکه جهت راه‌یابی به جهان ناشناخته به کار می‌گرفتند (Farhad et al, 2010: 30). این موضوع نشان می‌دهد که آنها در واقع تصاویر را برای پیش‌گویی کردن و راه‌یافتن به دنیای ناشناخته به کار می‌گرفتند. از یک طرف، حضور مضامین مربوط به تنجیم در نگاره‌های این نسخ و از طرف دیگر، فضای مذهبی حاکم بر دوره صفویه که پیش‌گویی از طریق مفاهیم احکام نجوم (تنجیم) را مورد تشکیک قرار داده بود، به‌لحاظ تاریخی این فال‌نامه‌های مصور را در بستری چالش‌برانگیز قرار می‌دهد. بنابراین در این مقاله با تمرکز بر این مسأله، تلاش شده است تا از طریق بررسی حضور مفاهیم احکام نجوم در نگاره‌های این نسخ و تطبیق آنها، سازوکارهایی که برای مشروعیت‌بخشی به این موضوع اتخاذ شده است، آشکار گردد.

## روش تحقیق

روش به‌کار گرفته شده در این پژوهش، از نوع توصیفی-تحلیلی-تطبیقی است و اطلاعات از طریق منابع کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده است. روند انجام پژوهش بدین شکل است که ابتدا، حضور مفاهیم احکام نجومی در نگاره‌های این چهار نسخه مورد بررسی قرار گرفته و پس از آن، نحوه تصویرسازی مفاهیم احکام نجوم و راهکارهای مشروعیت‌بخشی به این شیوه پیش‌گویی، تطبیق داده شده است.

## پیشینه تحقیق

قهراری گیگلو و همکار (۱۳۸۹) در مقاله «بررسی تطبیقی صور نجومی در نسخه صورالکواکب و آثار فلزی سده‌های

پنجم تا هفتم هجری»، به بررسی تجسمی نقوش نجومی در آثار فلزی و تطبیق آنها با تصاویر صورت‌های فلکی در کتاب صورالکواکب الثابتة عبدالرحمان صوفی پرداخته است. کتاب پرویز تناولی (۱۳۸۶) با عنوان «طلسم: گرافیک سنتی ایران»، دو بخش دارد؛ بخش نخست را طلسمات، معانی و اعداد وفقی بر پایه اسماءالحسنی در بر می‌گیرد و بخش دوم، نقش حیوانات در امور روان‌درمانی و رفع مشکلات انسانی را شامل می‌شود. دماوندی (۱۳۸۵) در مقاله «جادو در ایران باستان و کیش زرتشت»، به پیشینه جادو و گونه‌های آن پرداخته و جادو در ایران باستان و کیش زرتشتی را بررسی نموده است. «فال‌نامه؛ کتاب فال»، حاوی مقالات پژوهشگران تمدن و فرهنگ ایران صفوی و ترکیه عثمانی و تصاویر تمام‌رنگی از تنها چهار نسخه خطی راجع به فالگیری و پیش‌گویی باقی‌مانده از عصر صفوی و عثمانی به کوشش معصومه فرهاد و با همکاری سرپیل باغچی در واشنگتن چاپ گردیده است. این کتاب به‌مناسبت برپایی نمایشگاه فال‌نامه، ۲۴ اکتبر ۲۰۰۹ (۲ آبان ۱۳۸۸) تا ۲۴ ژانویه ۲۰۱۰ (۴ بهمن ۱۳۸۸) در موزه هنر فریبیر و موزه آرتور ام. ساکлер واقع در واشنگتن، توسط این دو موزه در ۳۴۶ صفحه با تصاویر رنگی بسیار، قطع رحلی و به‌زبان انگلیسی منتشر گردید.

این مقاله در ادامه پژوهش‌های انجام‌گرفته، اولین پژوهشی است که به‌مطالعه حضور احکام نجومی در فال‌نامه‌های مصور دوره صفویه با تمرکز بر مواجهه با ممنوعیت نهادهای دینی پرداخته است.

## پیشینه باورهای کهن به پیش‌گویی

تبارشناسی و شناخت منشأ بسیاری از باورهای انسان هم‌چون اسطوره‌ها، ناممکن می‌نماید. برخی، پیدایش باور به پیش‌گویی را به تمدن‌های بین‌النهرین نسبت داده‌اند. در دو هزار سال پیش از میلاد تحولی رخ داد و فرقه‌ای از کاهنان در بین‌النهرین به‌وجود آمدند که بر همه دانستنی‌های سری و اسرارآمیز وقوف داشتند. آنها استادان غیب‌گویی بودند و از روی نقش جگر و امعا و احشای حیوانات ذبح‌شده و یا از دود و آتش و درخشش سنگ‌های قیمتی، آینده را پیش‌گویی می‌کردند (گل‌سرخ، ۱۳۷۷: ۲۷). فال و فالگیری به‌اشکال متعدد از گذشته تا کنون رواج داشته است و مردم در مواقع تردید و دودلی، نگرانی و درماندگی به آن روی می‌آوردند. از کهن‌ترین نمونه‌های فالگیری می‌توان به فال بودا در هند، ای چینگ در چین، ورق‌های تاروت در اروپا، فال اعداد و حروف ابجد در ایران و انواع دیگر فال‌ها مانند تفأل با چای، نخود، قهوه یا فالگیری با تاس - که به آن رمل می‌گفتند -

انسان هوشمند بر می‌گردد. علم نجوم در ایران نیز مانند دیگر نقاط جهان سابقه‌ای طولانی دارد. در واقع از آنجا که ابزار آن، آسمانی پاک و دو چشم سالم خداداد است، جزو اولین علوم است که توسط ایرانیان مورد توجه قرار گرفته است (بیکرمن و دیگران، ۱۳۸۴: ط (مقدمه)). این دانش در دوره اسلامی به وسیله دانشمندانی چون ابومشعر بلخی و گروه دیگر از منجمان بزرگ تمدن اسلامی در ایران چون؛ عبدالرحمان صوفی، ابوریحان بیرونی، عمر خیام، خوارزمی و ابوسهل کوهی که در فاصله سده‌های چهارم تا هفتم هجری می‌زیستند، به جهان عرضه شد (رفیعی و شیرازی، ۱۳۸۶: ۱۱۳). مهم‌ترین ویژگی این دانش در دوره اسلامی، مطالعه انواع صور فلکی است و در این زمینه، منابع مکتوب مصور و غیر مصور ارزشمندی باقی مانده است (قهاری گیگلو و محمدزاده، ۱۳۸۹: ۶). از آنجا که اغلب رویدادهای آسمانی قابل مشاهده با حوادث زمینی خاصی همچون فصل برداشت محصول یا طغیان رودخانه‌ها هم‌زمان بودند (گیاهی یزدی، ۱۳۸۸: ۱۱)، نخستین توجه‌کنندگان به آسمان؛ یعنی کاهن - منجمان ملل قدیم (هلزی هال، ۱۳۶۳: ۲۱)، چنین تصور کردند که اختران می‌توانند بر نظام طبیعی دنیای خاکی، اثرگذار باشند (مسعودی، ۱۳۶۳: ۶۸ و بیرونی، ۱۳۶۶: ۲۵۸). از سوی دیگر در نتیجه رصدهای منظم ستارگان، منجمین متوجه حرکات نامنظم برخی از این اجرام سماوی شدند (روسو، ۱۳۳۷: ۲۴). تقارن حرکات این اجرام با برخی از رخدادهای زمینی همچون جنگ‌ها و شورش‌ها، شیوع قحطی و بیماری، شکل‌گیری مذاهب و خوشی‌ها و ناخوشی‌ها، این فکر را به وجود آورد که این ستارگان، حاکم بر سرنوشت انسان‌ها هستند (بیرونی، ۱۳۶۲: ۵۱۱ و ۵۱۲). با گذر زمان، این اندیشه در تمامی زوایای زندگی، روحیات، طرز تفکر و رفتارهای اجتماعی انسان، رشد یافت و نظم اجتماعی دنیای کهن را به وجود آورد (زرگری و یحیائی، ۱۳۹۳: ۹۹).

علم هیأت، از جمله علمی است که ابتدا در بغداد بدان اهتمام ورزیدند و نه تنها اعراب درباره مسائل آن به تحقیق پرداختند، بلکه جانشین آنان نیز دنبال تحقیقات ایشان در این رشته را گرفتند. خلفای بنی عباس همین که شهر بغداد را که در سال ۷۶۱ م. بنا شده بود پایتخت خود قرار دادند، به توسعه و تدریس علم هیأت و ریاضیات همت گماشتند (لوبون، ۱۳۵۴: ۵۶). علم نجوم و ستاره‌شناسی از علوم مشهوری است که در دامان فرهنگ و تمدن اسلامی، تکامل و به‌بالترین حد توسعه و رواج دست یافت. یکی از علل پیشرفت این دانش، میل شدید خلفا و حکمرانان و سلاطین به دانستن طالع خود و تعیین اوقات سعد و نحس و شناختن ستاره مربوط به خود

اشاره کرد (سپیک، ۱۳۸۴: ۹۴). سر کتاب باز کردن - که اصطلاحی است در فالگیری - نیز از دیرباز مردم را به خود مشغول داشته است. در میان آریایی‌ها نیز انواع پیش‌گویی و فالگیری وجود داشته است. در ایران «فالگیری با عوامل و وسایل متعددی انجام می‌شد از جمله؛ ستارگان، کتاب، تاس (در رمل)، جداول و دوایر (در جفر)، استخوان شانه گوسفند (کتف)، کف دست آدمی، گیاهان، جانوران و نخود» (افشار، ۱۳۸۳: ۷۶). نشانه‌های تفال را در داستان‌های شاهنامه فردوسی نیز می‌توان دید که برای از پیش آگاهی یافتن استفاده می‌شده است (سرامی، ۱۳۸۳: ۵۴۲). «فال گرفتن و تفال زدن به حوادث، یکی از راه‌های پیش‌گویی در شاهنامه است و جالب آن که این نیز از آن دسته پیش‌گویی‌ها است که در هیچ مورد نادرست نبوده است» (نیکنام و صرفی، ۱۳۸۱: ۱۶۹). پیش‌گویی نه تنها پیش‌بینی حوادثی را که در آینده رخ می‌داد، شامل می‌شد، بلکه سلسله مقررات و پایداری و ناپایداری درباره سعد و نحس روزها و اوقات مختلف شبانه‌روز و رویدادهای مهم زندگی مانند ازدواج را - که در آن اوقات رخ می‌داد - نیز در بر می‌گرفت (باقری حسن‌کیاده و همکار، ۱۳۹۳: ۴). سعد و نحس روزها و اتفاقات گوناگون را با دو اصطلاح «تفال» و «تطیر» مشخص می‌کنند؛ «تفال را به فال نیک زدن و تطیر را به فال بد زدن معنی کرده‌اند، معادل کلمه نخستین را در فارسی مروا و دومی را مرغوا دانسته‌اند» (لسان، ۱۳۵۶: ۳۰).

### کاربرد احکام نجوم در پیش‌گویی

پیشینیان، افلاک را در آفرینش، رشد و سرانجام، مرگ آدمی و نیز تیره‌بختی و خوش‌بختی و هر آن‌چه به او مربوط می‌شده، مؤثر می‌دانستند. آن‌چه بیشتر برای پیشینیان جالب بود، آن قسمت از علم ستاره‌شناسی است که به استخراج احکام و تأثیر آن در سرنوشت آدمیان مربوط است و به آن «علم احکام نجوم» یا «تنجیم»<sup>۱</sup> می‌گفتند و آن، با علم «نجوم»<sup>۲</sup> که علمی است که در آن حرکات ستارگان بررسی می‌شود و برای تقویم و گاه‌شماری به کار می‌رود، تفاوت دارد (حلبی، ۱۳۷۸: ۱۲). «نجوم احکامی»، شیوه‌ای در غیب‌گویی و فال‌بینی است و بر این اصل استوار است که ستارگان و سیارات بر اجسام زمینی و سرنوشت افراد و اقوام تأثیر دارند. امروزه اختربینی در شمار علوم به حساب نمی‌آید و یا آن را علم کاذب می‌شمارند و کاملاً مخالف نظریه‌ها و یافته‌های دانش نوین می‌دانند (صرفی و افاضل، ۱۳۸۹: ۵۳ و ۵۴). گرایش انسان به شناخت نجوم و کواکب و صدور احکام در مورد گردش ستارگان و عواقب این چرخش‌ها، تقریباً به‌ظهور

بود (اسفندیاری، ۱۳۹۴: ۸۹). تحقیقات و کشفیات مسلمین در نجوم و هیأت آن قدر مورد توجه قرار گرفت و آن قدر دقیق و علمی بود که در دوران رنسانس و پس از آن، علمای مغرب‌زمین هیچ‌گاه نتوانستند خود را از بند آن‌ها سازند و امروزه بسیاری از کشفیات و حتی اندازه‌گیری‌های آنان اثبات شده و مورد قبول واقع گردیده است (سجادی، ۱۳۶۰: ۴۱). این خلدون در تعریف علم هیأت گوید: «علم هیأت، علمی است که از حرکات کواکب ثابت (به چشم دیدنی) و کواکب متحرکه و متحیره (قمر، عطارد، زهره، مشتری، زحل) بحث می‌کند و از روی این حرکات و به طرق هندسی بر اشکال و اوضاع افلاک، استدلال می‌کند... و از فروع آن علم از دیاج یا دانش زیج‌ها است» (حلبی، ۱۳۷۲: ۲۹۸).

در دوره صفویه که محدوده زمانی این پژوهش است، نیز باورهای عمیقی به احکام نجومی و فالگیری از این طریق وجود داشت. شاردن در سفرنامه خود اشاره می‌کند: «ایرانیان، پیش‌گویی و غیب‌دانی را به دو نام می‌نامند: اسطرلاب یعنی ستاره‌یابی و مطالعه سیر اجرام فلکی؛ که همانا نجوم و اخترشماری است، دیگر؛ فال که در اصل به معنای عمل و نتیجه و اثر است، ولی در اصطلاح به چیزی اطلاق می‌شود که ما (اروپاییان) سحر و جادو می‌خوانیم و رومیان فن تفال و تطیر می‌نامیدند، این عمل را ایرانیان رمل نیز نامند و مقصود از آن به نظر ایشان، فنون سحر و جادو است. استادان فن پیش‌گویی و غیب‌دانی همانا منجمان می‌باشند... ستاره‌شناسان با مطالعه اجرام فلکی و تحقیق در سیر کواکب از آینده خبر می‌دهند و پیش‌گویی‌ها می‌کنند» (شاردن، ۱۳۳۸: ۲۴۷ و ۲۴۸).

### کتاب صورالکواکب عبدالرحمان صوفی و تصویرسازی صور فلکی

ابوالحسن عبدالرحمان بن عمر بن محمد بن سهل صوفی رازی (۲۹۱-۳۷۶ هجری قمری) در شهر ری دیده به جهان گشود و در سن ۸۳ سالگی در شیراز درگذشت. صوفی در رصدخانه شهر گور فیروزآباد، پژوهش‌های ستاره‌شناسی ارزنده‌ای انجام داد تا جایی که به شهرت فراوانی رسید (ورجاوند، ۱۳۸۵: ۷۳). معروف‌ترین اثر وی، صورالکواکب الثابتة نام دارد که وی در سال ۳۵۳ هجری قمری به رشته تحریر درآورد. این کتاب که در مورد ستارگان ثابت است، ادامه پژوهش‌های ستاره‌شناسی در سده سوم هجری بود و بر پایه آثار کلاسیک و کهن از جمله المجسطی بطلمیوس تدوین شده بود. وی در آن بسیاری از رصدهایش را همراه با تصویر تشریح کرده است. در این کتاب، او ستارگان را با نام‌های عربی آنها مشخص کرده و جدولی از قدرهای دقیق ستارگان هر صورت فلکی

و نمای صورت فلکی ارائه کرده است. رصدهای ثبت‌شده در صورالکواکب صوفی که به‌گفته جورج سارتون شاهکاری از نجوم رصدی است، به سرعت نه تنها عنوان معتبرترین منبع در این موضوع را در جهان اسلام پیدا کرد، بلکه در سراسر قرون وسطی مرجع اصلی طراحی و ساخت کره‌های آسمانی در اروپا شد. توصیف‌های او از ستارگان در این کتاب تا سدها سال به‌عنوان یک مرجع مهم علمی در جهان شناخته شد و در قرون وسطی به زبان‌های گوناگون اروپایی ترجمه شد (ورجاوند، ۱۳۸۵: ۷۵). همه نسخه‌های این رساله که صور فلکی را با تصاویر ذهنی نشان می‌دهند، طی سده‌های متمادی (از سده چهارم تا دوره قاجار)، عرصه هنرنمایی نگارگران مسلمان شد؛ غالباً نگارگران آن را با بهترین تصاویر می‌آراستند (همان، ۷۳). تصویرسازی صورت‌های فلکی در کتاب صورالکواکب صوفی در سده چهارم هجری بر تصویرسازی این نقوش در دیگر کتب علمی و نجومی در سده‌های بعدی تأثیر گذاشت. قدیمی‌ترین نسخه موجود کتاب صورالکواکب، اکنون در کتابخانه بودلیان آکسفورد به شماره ۱۴۴ نگهداری می‌شود. در صفحه آخر آن به مشخصات کتاب که در سال ۴۰۰-۴۰۱ نگاشته گردیده اشاره شده است (خزائی، ۱۳۸۶: ۷۵). نسخه‌های مصور دیگری نیز از صورالکواکب موجود است که اکنون در موزه‌ها و کتابخانه‌های جهان نگهداری می‌شود (قهاری گیگلو و همکار، ۱۳۸۹: ۷). بنابراین کتاب صورالکواکب صوفی و توصیفاتی که از بروج فلکی و سیارات ثابت ارائه داده است، یکی از منابع اصلی در تصویرسازی احکام نجوم در هنر اسلامی است که نمود آن در هنرهای فلزکاری و سفالگری نیز به‌کرات دیده می‌شود. در این مقاله، ارتباط بصری میان تصاویر بروج فلکی صورالکواکب و نحوه تصویرسازی این مضامین در نگاره‌های فال‌نامه‌های مصور دوره صفویه نشان داده خواهد شد. تصاویری که از کتاب صورالکواکب در این مقاله استفاده شده است، مربوط به نسخه خطی مصوری است که برای الغیبیگ فرزند شاهرخ و نوه تیمور لنگ در حدود سال‌های ۸۰۸-۸۱۸ هجری شمسی در سمرقند تهیه شده است. این نسخه خطی هم‌اکنون در کتابخانه ملی فرانسه به شماره [Arabe 5036] نگهداری می‌شود.

### فال‌نامه‌های مصور دوره صفوی

شاردن در سفرنامه خود بعد از توضیح نحوه استخاره‌گیری ایرانیان، به فال‌نامه‌هایی در دوره صفویه اشاره می‌کند که دارای تصویر بوده و فالگیرها از تصاویر آن برای فالگیری استفاده می‌کرده‌اند: «ایرانیان را دو گونه غیب‌گویی دیگر است؛ نخستین را گلابتین گویند، که استقراع از طاس تخته‌نرد

حدود  $۵۹۰ \times ۴۴۵$  میلی متر مربع، جزو بزرگ ترین نقاشی های ایرانی تا کنون شناخته شده هستند. میزان آسیب های سطحی وارد شده به نگاره ها نشان می دهد که نه تنها تصاویر اغلب مورد استفاده قرار می گرفته اند، بلکه گاهی نیز از هم جدا شده اند (Farhad et al, 2010: 43). در سال ۱۹۲۹ م. ادگار بلوش ۴ اظهار کرد که این نسخه برای دومین پادشاه صفوی یعنی شاه طهماسب تکمیل شده است. متن فال نامه طهماسبی (پراکنده) با خط نستعلیق موزون و نسبتاً درشت، تحریر شده و به لحاظ سبکی، از یکپارچگی بیشتری نسبت به نگاره ها برخوردار است. آرمن توکاتلیان بر اساس مقیاس، یکنواختی و شفافیت، متن فال نامه پراکنده را به خطاط مشهور؛ مالک دیلمی نسبت داده است (Tokatlian, 2007: 8, 37). مالک اصلیش از فیلاوگوش قزوین و از معاریف دیلمیان که خاندانی شریف بودند و در قزوین زیست می کردند، بود. او به سال ۹۲۴ ه.ق. متولد شد و در ابتدای زندگی نزد پدر خود «شهره امیر» تعلیم خط ثلث و نسخ گرفت و در این خطوط شهرت یافت. بعدها به فراگرفتن خط نستعلیق پرداخت و به قول صاحب قواعد خطوط هنگامی که رستم علی و حافظ باباجان به سال ۹۴۴ ه.ق. به قزوین رفتند، نزد ایشان به تعلیم خط نستعلیق پرداخت (بیانی، ۱۳۴۲: ۲۱). سبک نگاره های فال نامه پراکنده نشان می دهد که این نسخه احتمالاً بین اواسط دهه ۱۵۵۰ م. و اوایل دهه ۱۵۶۰ م. تهیه شده است. اندازه و حالت پیکرها، ساده شدن بیشتر ترکیب بندی ها و رها تر شدن آنها و هم چنین خودانگیختگی بیشتر در ضرب قلم ها، نشانه عبور از آثار تولید شده در دهه های ۱۵۳۰ و ۱۵۴۰ میلادی در تبریز است. این شیوه جدید بصری هم چنین در ترکیب بندی مرقعات میانه قرن ۱۶ م. که با روند افزایشی مردم گرایی به عنوان یک قالب جایگزین برای مصورسازی سازگار بود، مشهود است. بنابراین فال نامه پراکنده، نمایانگر یک نقطه عزیمت از نسخه های پیش تر ساخته شده در دربار صفوی است، اما به هیچ وجه تنها اثر نشانگر این تغییر در بین تولیدات هنری دهه ۱۵۵۰ م. نیست؛ دوره ای که با چندین تحول مهم در حاکمیت شاه طهماسب مشخص شده است (Farhad et al, 2010: 47).

در همه نسخه های فال نامه مصور هم چنان که در تصویر ۱ نشان داده شده است، در یک سمت نگاره و سمت مقابل آن متن مربوط به فال آن قرار گرفته است. در این نسخه از فال نامه که قدیمی ترین آنها نیز هست، مضامین اصلی نگاره ها را قصص قرآنی، مضامین دینی، شیعی و ادبی تشکیل می دهند. با توجه به این که پیش گویی و استفاده از تنجیم از نظر شرع اسلام دارای اشکال بوده، در اولین نسخه فال نامه مصور،

می باشد... دومی نیرنجات است، که مفهوم اضطراب و مشکلات را می رساند و در این فن یک کتاب نیم ورقی دارند مشتمل بر پنجاه تصویر، که عبارت از صور زمختی است که بعضی از آنها صور فلکی و برخی دیگر تمثال های انبیا و ائمه ایشان است. این مجموعه رمل ایرانیان است، که علم دانیال خوانند و سیمیای ایشان همان است» (شاردن، ۱۳۳۸: ۲۵۱ و ۲۵۲). «یکی از نخستین نسخ موجود مکتب قزوین را باید فال نامه دانست که از قرار معلوم تحت حمایت شاه طهماسب کار شده است. موضوع نگاره ها، ادبی و مذهبی و دارای ترکیب بندی های عالی و بعضی نیز روایی است. کیفیت طراحی و رنگ بندی آنها در سطح والایی قرار دارد ولی تنوع سبک ها در آن مشهود است. هیچ یک از این نگاره ها رقم ندارد ولی بعضی از آنها را می توان به آقامیرک و عبدالعزیز نسبت داد» (Canby, 1999: 69). به نقل از: آژند، ۱۳۹۵: ۵۲۲). عبدالعزیز «به احتمال زیاد در نگارگری نسخه فال نامه در حدود سال ۹۶۷ ه.ق. در قزوین دست داشته و نگاره زنی در کام شیران را کشیده است» (سودآور، ۱۳۸۰: ۱۸۶-۱۸۸ به نقل از: آژند، ۱۳۹۴: ۶۲). از زمان صفویه تنها چهار نمونه از فال نامه های تصویرپردازی شده باقی مانده است: ۱) فال نامه طهماسبی (پراکنده) ۲) فال نامه فارسی موزه توپقاپی سرای ۳) فال نامه فارسی درسدن آلمان ۴) فال نامه ترکی سلطان احمد اول. احتمال دارد نسخه های دیگری نیز وجود داشته باشد که اطلاع دقیقی از آنها در دست نیست، ممکن است از بین رفته و یا همین چهار عدد باشد. قدیمی ترین آنها تحت عنوان «فال نامه پراکنده» شناخته می شود که در دربار شاه طهماسب اول؛ دومین پادشاه سلسله صفوی در قزوین و در نیمه های قرن ۱۶ میلادی تهیه شده است.

### استفاده از احکام نجوم در فال نامه نسخه طهماسبی (پراکنده)

این نسخه که به «فال نامه پراکنده» معروف شده است در بین دیگر نسخه های فال نامه این دوره، به بزرگی اندازه شهرت دارد. از این نسخه تا کنون ۳۰ برگه شناسایی شده است که اولین آنها در اوایل سال ۱۹۱۳ م. منتشر شد، اما روشن نیست که این تعداد از برگه های فال نامه چگونه به پاریس رسیده و توجه مجموعه داران را به خود جلب کرده است. به نظر می رسد در اوایل قرن بیستم یک دلال بلژیکی به نام جورج دموت<sup>۳</sup> مسئول توزیع بعضی از برگه های این فال نامه در بین مجموعه داران خصوصی و عمومی بوده است؛ به همین علت این نسخه را «فال نامه پراکنده» نام گذاری کرده اند. به جز یک نگاره، دیگر برگه های این نسخه با اندازه های در

نگاره‌هایی با تصویرسازی مستقیم این مضامین وجود ندارد. در این نسخه تنها می‌توان اشاراتی را به سنت پیش‌گویی از طریق احکام نجوم در متن فال‌ها مشاهده کرد. به‌عنوان نمونه در متن فال مربوط به نگاره فتح خیبر (تصویر ۱) در سطر ۸ و ۹ آمده است: «غرض که کوكب اقبال به‌افق دولت طالع می‌شود و هر نیت که داری به‌خیر و خوبی ساخته می‌گردد».

### استفاده از احکام نجوم در فال‌نامه فارسی موزه توپقاپی سرای

این نسخه از فال‌نامه که هم‌اکنون در کتابخانه توپقاپی سرای استانبول نگهداری می‌شود، با ۵۹ نگاره، بزرگ‌ترین نسخه فال‌نامه مصور محسوب می‌گردد. نوشته‌ها و تصاویر آن به‌طور دقیق در یک کل واحد گرد آمده‌اند. با توجه به نشان‌های اهدایی در صفحه سفید ابتدای کتاب، این نسخه باید پیش از زمان حکومت سلطان احمد سوم (۱۷۰۳-۱۷۳۰م.) به مجموعه سلطنتی عثمانیان وارد شده باشد. رنگ خرمایی مایل به قرمز جلد آن، مربوط به دوره حکومت سلطان عبدالحمید دوم (۱۸۷۶-۱۹۰۹م.) است که احتمال دارد در این تاریخ، برخی از صفحات آن دوباره حاشیه‌نگاری شده باشد. در این نسخه نیز هم‌چون نسخه‌های دیگر فال‌نامه، در یک صفحه تصویر و در صفحه مجاور آن متن فال قرار گرفته است (Farhad et al, 2010: 53) (۱)

تعداد ۹ نگاره از مجموع ۵۹ نگاره نسخه فال‌نامه فارسی موزه توپقاپی سرای، دارای مضامین مربوط به تنجیم است. هم‌چنین در برگه متن هر فال و نیز در توضیح هر فال، ارجاعات بسیاری به این متون داده شده است. مضمون این نگاره‌ها به دو بخش بروج فلکی و اجرام فلکی مربوط می‌شود. در تصویر ۲، هر یک از دایره‌های ۱۲ گانه، معرف یکی از بروج فلکی است که صورت فلکی مربوط به آن در داخل هر دایره تصویر شده است. برج به‌معنی قصر و حصار عالی و خانه و جمع آن بروج و ابراج است و در اصطلاح نجومی عبارت است از قوسی در منطقه البروج که به سی درجه تقسیم شده که یک دوازدهم ۳۶۰ درجه، دور دایره بزرگی در آن منطقه است و هر قسمت به‌نام یکی از صور فلکی یا ماه‌های شمسی است (قهاری گیگلو و همکار، ۱۳۸۹: ۸). هر یک از بروج ۱۲ گانه در احکام نجوم دارای صفات ویژه و مفهوم منحصر به‌فردی است که منجر به شکل‌گیری باورهای گسترده‌ای در دوره‌های مختلف تاریخی ایران شده است. نحوه تصویرسازی این بروج فلکی در فال‌نامه هم‌چنان که اشاره شد، به‌نسخه مصور کتاب صورالکواکب ارجاع دارد که پس از قرن چهارم هجری در نقوش هنر فلزکاری و سفالگری نمود پیدا کرد و در دوره صفویه در نگاره‌های فال‌نامه‌های مصور ادامه یافته است. تطبیق نحوه مصورسازی این صور فلکی در این نسخه و



تصویر ۱. نگاره و متن فال برگه فتح خیبر، فال‌نامه طهماسبی (پراکنده)، کتابخانه چستر بییتی دوبلین. (URL: 1)

بسیاری که نگاره‌ها مضمون قرآنی دارند، آیه‌ها مستقیماً به‌موضوع تصاویر ارجاع دارند اما در برخی دیگر (تصویر ۲ و ۳)، ارتباط میان تصویر و متن مقدس، مبهم است. در هیچ نسخه مصور دیگری چه مذهبی، تاریخی و یا ادبی، به این صراحت تلاش برای برقراری ارتباط بین مضمون تصاویر و آیات قرآنی دیده نمی‌شود که به این نسخه به‌خصوص، بیشتر ماهیت استثنایی می‌بخشد. از آنجایی که پیش‌گویی و فالگیری در شرع اسلامی موردنکوهش قرار گرفته است، نگارگر از طریق اتصال مضمون تصاویر به یک منبع مقدس، تلاش کرده تا به آنها اعتباری بی‌قید و شرط ببخشد.

### استفاده از احکام نجوم در فال‌نامه فارسی در سدن آلمان

سومین فال‌نامه ماندگار، در کتابخانه دانشگاه ساچسینک در سدن آلمان قرار دارد. بر اساس یک کتیبه لاتین در اولین برگه آن، این نسخه در سال ۱۷۱۸ میلادی در وین توسط یوهانس کریستوفر ریمبکی؛ مترجم سلطنتی زبان‌های بیگانه در دربار هسنبورگ به‌دست آمد. این نسخه دارای ۵۱ نگاره است که ابعاد آنها از  $۴۸ \times ۳۶.۵$  تا  $۶۶.۵ \times ۴۸$  سانتی‌متر متفاوت است و آنها را بزرگ‌ترین برگه فال‌نامه‌های موجود می‌دانند. بسیاری از این‌ها حتی بزرگ‌تر بودند. در اصل، بعضی از آنها بریده شده‌اند و در برخی دیگر، حاشیه اطراف تصاویر حذف شده‌اند. به‌علاوه، برخی از ورق‌ها یا قطعات کاغذ به‌نظر می‌رسد باز یافت شده‌اند. از زمان ورود آن به وین در اوایل قرن هجدهم، این فال‌نامه چندین بار بازپس

کتاب صورالکواکب در جدول ۱ نشان داده شده است. بخش دیگر تصاویر مربوط به مضامین تنجیم، اجرام فلکی هستند که نمونه‌ای از آن در تصویر ۳ آمده است.

در کنار بروج فلکی، مضمون دیگر مربوط به کارکرد تنجیم در پیش‌گویی، اجرام فلکی است که شامل ۷ سیاره اصلی می‌شود. در تصویر ۳، یکی از این سیارات هفت‌گانه یعنی زحل به‌تصویر کشیده شده است. این سیاره، بلندترین و یا دورترین سیاره بوده و کلمه زحل خود به‌معنی بسیار دور‌گرفته است. منجمان احکامی، زحل را کوكب پيران و دهقانان، ارباب قلاع، خاندان‌های قدیم، غلامان سیاه، صحرائشینان، مردم سفله، خسیس، زاهدان بی‌علم و موصوف به صفات مکر، کینه، حقد، جهل، بخل، ستیزه و کاهلی می‌شمردند (مصفی، ۱۳۵۷: ۲۳۷ و ۳۳۸). چنان‌که از مفهوم این سیاره در احکام نجوم برمی‌آید، در این نگاره فال‌نامه فارسی موزه توپقاپی سرای، زحل به‌شکل پیرمردی با چهره‌ای تیره، تصویر شده است که دارای ۷ دست و در هر دست او یک شیء قرار دارد که معرف مفهوم این سیاره در احکام نجومی است؛ مثلاً داس در دست چپ پایینی آن، نشانگر دهقانان و کشت و زرع است. این نسخه، تنها نسخه‌ای است که در برگه نگاره‌های آن، متن و تصویر با هم ادغام شده‌اند. هر نگاره توسط یک دو بیت به‌خط نستعلیق، قاب‌بندی شده است که موضوع و ماهیت کلی فال مربوط به نگاره را معرفی می‌کند. علاوه بر آن، یک آیه قرآنی به‌خط محقق و رنگ طلائی، آبی و یا قرمز در بالای صفحه نگاره‌ها به‌چشم می‌خورد. در نمونه‌های



تصویر ۳. نگاره زحل، فال‌نامه فارسی موزه توپقاپی سرای. (Farhad et al, 2010: 250)



تصویر ۲. نگاره بروج دوازده‌گانه، فال‌نامه فارسی موزه توپقاپی سرای. (Farhad et al, 2010: 38)

گرفته شده است و امروزه تعدادی از برگه‌های آن از میان رفته و بعضی دیگر گم شده‌اند. بسیاری از شواهد، سایش و پاره شدن را نشان می‌دهند و حداقل چهار تصویر از ده تصویر با آلودگی گسترده به‌طور کامل رنگ‌آمیزی شده‌اند. با وجود وضعیت شکننده فعلی آن، سبک، محتوا و ساختار این نسخه، در درک پیدایش فال‌نامه‌های تصویری در قرن شانزدهم ارزشمند است. به‌طور کلی، موضوعات نگاره‌ها از دیگر فال‌نامه‌ها اقتباس شده است، اما این نسخه، تعدادی از موضوعات جدید مذهبی و ادبی را نیز شامل می‌شود (Farhad et al, 2010: 60).

در برگه‌های موجود فال‌نامه فارسی درسدن آلمان، ۲ نگاره با مضمون تنجیم وجود دارد. در تصویر ۴، یکی دیگر از سیاره‌های هفت گانه اصلی یعنی مریخ به‌تصویر کشیده شده است. این سیاره، از نخستین سیارگانی است که بشر نخستین آن را کشف کرده؛ چون رنگ سرخ ویژه آن و درخشش فصولی آن، مریخ یا بهرام را ستاره‌ای متمایز و مشخص ساخته است. بهرام، وهران و ورهران، اصل «ورثرغن» به معنی فاتح، شکننده و جنگجو است. در اشعار فارسی نیز از خشم و سلحشوری مریخ، سخن‌ها گفته شده و عناوین فراوانی چون حیدر رزم‌فلک، مریخ خون‌آلود و مریخ سلحشور به‌وی داده‌اند (مصفی، ۱۳۵۷: ۷۳۰). این ستاره در تصورات ایرانی، یونان و روم ایزدخدای جنگ بوده؛ به‌همین علت منجمان احکامی، مریخ را کوکب لشکریان و امرای ظالم، دزدان و مفسدان شمرده‌اند (همان: ۷۲۹). همان‌طور که در تصویر ۴ نشان داده شده، تصویرسازی این نگاره کاملاً منطبق بر مفهوم این سیاره در احکام نجوم است. مرکب سرخ‌رنگ و پرچمی که بر بالای کلاه خود آمده، نشانه سرخی این کوکب

در آسمان و نماد خون‌ریزی است. این سیاره در هیأت یک جنگ‌جوی زره بر تن و شمشیر به‌دست تصویر شده که به‌مفهوم ایزدخدای جنگ‌بودن اشاره دارد. هم‌چنین حالت نشستن او بر تخت در حالی که سر بریده‌ای را در دست دارد، مفهوم فاتح‌بودن را القا می‌کند.

دومین نگاره این نسخه فال‌نامه که به‌مضمون تنجیم مربوط می‌شود، نگاره‌ای است که در آن به‌صورت فلکی اژدها ارجاع داده شده است (تصویر ۵). این نگاره، روایت‌کننده مضمون دیگری است که در آن پیامبر (ص) و افراد دیگری حاضر هستند و حضرت علی (ع) دهان اژدها را در تصویر با دست گرفته است. این اژدها، از مضامین مربوط به تنجیم وام گرفته شده است که در فال‌نامه فارسی موزه توپقاپی سرای نیز مشابه این اژدها وجود دارد.

تین به معنی اژدها، صورت فلکی در نیمکره شمالی و از ثوابت است (مصفی، ۱۳۵۷: ۱۴). نام فارسی دیگر اژدها، یعنی صورت تین، هستبهر یا هستبر است و همان اژدهایی است که در باورهای عامیانه هند و ایران، ماه و خورشید به‌هنگام کسوف و خسوف به‌کام او می‌رود؛ به این علت در هنگام گرفتن ماه، بر بام خانه‌ها طشت می‌زده‌اند تا سبب رهایی آنها شود (قهاری گیگلو و همکار، ۱۳۸۹: ۱۸). اژدها در افسانه‌پردازی سراسر جهان، به‌استثنای چین، نیرویی پلید و دژمنش است و معمولاً ابرها را از باریدن باز می‌دارد. بر پایه بیشتر اساطیر جهان، برای ماندگاری جهان باید آن را نابود کرد. در افسانه‌ها و داستان‌ها این موجود اساطیری، اغلب ترکیبی از جانوران گوناگون است، اما به‌طور کلی، به‌شکل ماری بزرگ، پیر و مکار و گاه با چند سر تصویر می‌شود که نفسی آتشین و نیرویی مهارناشدنی دارد (غفوری، ۱۳۹۴: ۱۰۰). در فرهنگ‌های فارسی، اژدها را



تصویر ۵. نگاره صورت فلکی اژدها، فال‌نامه فارسی درسدن. (URL: 3)



تصویر ۴. نگاره مریخ، فال‌نامه فارسی درسدن. (URL: 2)



## استفاده از احکام نجوم در فال‌نامه ترکی سلطان احمد اول

جنگ چالدران از یک لحاظ برای صفویان و عثمانیان نتایج تازه‌ای پیش آورد. سلطان سلیم پس از پیروزی در جنگ، وارد تبریز پایتخت جدیدالتأسیس صفویان گردید (هامر پورگشتال، ۱۳۶۷: ۸۴۶). او «هزار نفر از اربابان صنایع را که هر یک در فن خود استاد ماهری بی نظیر بودند از سکنه تبریز انتخاب نموده و به استانبول فرستاد» (هامر پورگشتال، ۱۳۶۷: ۸۴۷ و جلال زاده، ۱۹۹۰: ۵۵-۱۵۴). فریدون بیگ می‌نویسد: دستور داده شد تا استادان اهل حِرَف را به استانبول منتقل کردند (احمدپاشا، ۱۲۷۴: ۴۶۳). امروزه در آرشیو توپقاپی سرای استانبول، سندی به شماره ۱۰۷۳۴ موجود است که عنوان «دفتر اشیای ضبط‌شده توسط سلطان سلیم از استرا، از قصر هشت‌بهشت، از مهتر خانه‌ها و اساتید هنر» را دارد (حقی و چارشی‌لی، ۱۳۸۰: ۲۸۹). کاترینوز نو در سفرنامه خود می‌نویسد: «سلطان عثمانی با عده‌ای از هنرمندان ماهر و پانصد بار از خزانه خود به‌راه افتاد» (آلساندری و همکاران، ۱۳۴۹: ۲۶۳). در سفرنامه آنجوللو هم قید شده که «سپس آن ترک به تبریز آمد و بی‌درنگ هفتصد خانواده از کارگران ماهر را سراغ کرد و ایشان را به قسطنطنیه فرستاد» (آلساندری و همکاران، ۱۳۴۹: ۳۳۰). این که چرا این هنرمندان و پیشه‌وران به استانبول کوچیده‌اند را باید در سیاست‌های سخت‌گیرانه صفویان نسبت به اهل سنت هم جستجو کرد (آژند، ۱۳۸۹: ۳۵ و ۳۶).

نزدیک به یک قرن بعد از جنگ چالدران و در سال ۹۲۰ ق/۱۵۱۴ م.، یک نسخه فال‌نامه خطی مصور در حکومت عثمانیان به‌وسیله کالندر ۵ پاشا، وزیر دربار عثمانیان تهیه شد. این نسخه برای هدیه به سلطان احمد اول، پادشاه وقت عثمانیان، احتمالاً در حدود سال‌های ۱۶۱۴-۱۶۱۶ م. تهیه شده است (Farhad et al, 2010: 68). بر مبنای اسناد تاریخی مربوط به کوچ هنرمندان از ایران به دربار عثمانی، مشابهت‌های سبک‌شناختی و قالب و مضمون یکسان، می‌توان چنین نتیجه گرفت که اگر چه این نسخه فال‌نامه در دربار عثمانی و به‌زبان ترکی نگاشته شده است، اما از جمیع جهات، متعلق به فضای گفتمانی و سنت فال‌نامه‌نگاری دوره صفویه است. نسخه خطی فال‌نامه سلطان احمد اول دارای ۳۵ نگاره است و بیشتر نگاره‌های آن، مضامین دینی را روایت می‌کنند. در میان این نگاره‌ها، تعداد ۴ نگاره مربوط به مضامین تنجیم می‌شود که هم‌چون دو نسخه دیگر، شامل بروج فلکی (برج‌های دوازده گانه) و اجرام فلکی (سیارات هفت گانه) هستند.

به‌شکل سوسماری بزرگ با دو بال توصیف کرده‌اند که آتش از دهانش خارج می‌شود. در اساطیر جهان، این جانور هم‌خزنده و هم‌پرنده است و بال‌های عقاب، چنگال شیر، دم مار و دم آتشین دارد. در برخی از موارد نیز «اژدها» و «مار» را یکی دانسته‌اند (رستگارفسایی، ۱۳۷۹: ۳۷). تنین (اژدها، ثعبان)، از صورت‌های فلکی در نیمکره شمالی آسمان؛ این صورت در مجاورت صورت‌های فلکی دُب اکبر، دب اصغر، قیفاووس، شلیاق، زرافه، عوا و جاثی قرار گرفته و به‌صورت ماری بزرگ در گردگرد قطب شمالی دایره البروج تصور شده است (بیرونی، ۱۳۶۲: ۹۱). واژه عربی تنین احتمالاً از واژه سریانی و آرامی تنینا گرفته شده است (مشکور، ۱۳۵۷: ۱۰۸). در افسانه‌های یونانی، تنین، اژدهایی بوده است که هرکول یا کادموس او را کشت و دندان‌هایش را در خاک پنهان کرد و از آنها مردانی مسلح رویدند (Allen, 1963: 203). در اسطوره‌های یونان باستان، میان اژدهای فرضی فلکی و صورت فلکی تنین ارتباطی وجود ندارد. احتمالاً در تمدن‌های پیش از یونان، مانند تمدن بابل، این دو اژدها به‌نوعی با یکدیگر ارتباط داشته‌اند. شاید بابلی‌ها صورت فلکی تنین را به این دلیل ابداع کرده‌اند که نماینده اژدهای گرفتگی‌ها باشد. در میان اعراب، شاعران و منجمان ایرانی، این اژدهای فلکی و صورت فلکی اژدها، هر دو، تنین نامیده شده‌اند (صوفی، ۱۳۵۱: ۱۵۰). در ادبیات فارسی نیز، اژدهای فلکی و صورت فلکی اژدها یا تنین با تعبیری هم‌چون اژدهای چرخ، اژدهای گردون یا اژدهای سپهر به‌کار رفته است (سعد سلمان، ۱۳۶۲: ۱ و ۶).

در این نگاره (تصویر ۵)، این مفاهیم با مضمونی دینی-مذهبی در آمیخته و بدین ترتیب سه معنا را بازنمایی می‌کند: اول این که باورهای قالب مذهبی در دوران صفویه را انعکاس می‌دهد، دوم حضرت علی (ع) را به‌عنوان قهرمانی اسطوره‌ای و اژدهاکش تصویر کرده و از این طریق بین مفاهیم اسطوره‌ای-حماسی و مفاهیم مذهبی ارتباط برقرار شده است و سوم؛ همان‌طور که در نگاره‌های فال‌نامه فارسی موزه توپقاپی سرای، در هر برگه نگاره، یک آیه قرآنی برای موجه‌ساختن پیش‌گویی و احکام نجومی از دید شرع ذکر شده بود، در این نگاره نیز صورت فلکی اژدها با شمایل‌های مذهبی همراه گشته تا ممنوعیت استفاده از تنجیم در پیش‌گویی را وجهه‌ای مشروع ببخشد. منشأ تصویرسازی این صورت فلکی در تصویر ۶، یعنی صورت فلکی اژدها، در کتاب صورالکواکب نشان داده شده است. این کتاب، منبع اصلی تصویرسازی صور فلکی در هنرهای مختلف از قرن چهارم هجری به‌بعد بوده است و هم‌چنان که از تصویر ۵ بر می‌آید، این سنت بصری در فال‌نامه‌های مصور دوره صفویه نیز ادامه پیدا کرده است.

در داخل یک دایره ترسیم شده است. نحوه تصویرسازی بروج فلکی در فال‌نامه ترکی سلطان احمد اول، از فال‌نامه فارسی توپقاپی سرای الهام گرفته شده و آن‌چنان که گفته شد، تصویرسازی بروج فلکی نسخه توپقاپی سرای از کتاب صورالکواکب، که در جدول ۱ نشان داده شده است.

در مرکز دایره البروج (تصویر ۷) در زمینه طلایی‌رنگ، سیارات هفت‌گانه تصویر شده‌اند. در این نسخه فال‌نامه چنان‌که در تصویر ۷ مشخص است، نسبت به نسخ دیگر، احکام نجوم و مفاهیم مربوط به تنجیم با جزئیات بیشتر و دقیق‌تر ترسیم شده است. نکته جالب توجه در این تصویر، چهار فرشته ترسیم‌شده در نگاره است. دو فرشته در بالا و دو فرشته در پایین تصویر، کناره بیرونی دایره البروج را به دست گرفته و گویی در حال چرخاندن این چرخه هستند. حضور این فرشتگان بال‌دار که تداعی‌کننده فرشتگان نماد الوهیت در هنر بیزانس هستند، در کنار نمادهای احکام نجوم، این معنا را القا می‌کند که: اگر چه وضعیت اجرام آسمانی بر اتفاقات زندگی انسان تأثیرگذار است، اما چرخش کائنات به اراده و خواست خداوند است. نگارگر با ترسیم هم‌نشینی این عناصر، هم‌چون نسخه‌های پیشین، سعی در پیوند احکام نجومی با باورهای دینی و مقدس دارد تا از این طریق به سنت پیش‌گویی بر اساس تنجیم، صورتی موجه و مشروع ببخشد. در جدول ۲، استفاده از مفاهیم احکام نجومی و راهکارهای مشروعیت‌بخشی به آن، در چهار نسخه فال‌نامه تطبیق داده شده است.

در تصویر ۷، کامل‌ترین تصویر از مفاهیم احکام نجوم در فال‌نامه‌های مصور موجود ارائه شده است. در این نگاره، دایره البروج به تصویر کشیده شده است. دایره البروج، مسیر حرکت ظاهری سالانه خورشید نسبت به زمین بر روی کره سماوی است. دایره البروج، دایره‌ای فرضی در آسمان است که ظاهراً (از دید ساکنان کره زمین) به نظر می‌آید که خورشید در مدت یک سال آن دایره را طی می‌کند. این دایره در حقیقت، مدار حرکت انتقالی زمین را به دور کره خورشید مشخص می‌کند و در واقع طرح مدار زمین بر کره آسمان است؛ یعنی دایره‌ای است که از تلاقی سطح مدار حرکت انتقالی زمین با کره آسمان که آن را اصطلاحاً فلک ثوابت نامیده‌اند، پیدا می‌شود. دایره البروج نیز همراه با تقسیم منطقه البروج، به ۱۲ بخش مساوی (هر بخش یک برج، معادل ۳۰ درجه یا دو بعد ساعتی) تقسیم می‌شود. در دو هزار سال قبل، از میان ۱۲ صورت فلکی عبور می‌کرده و برج‌ها به‌وسیله آنها نام‌گذاری شده است که امروزه به‌علت حرکت تقدیمی زمین با پیوستن صورت فلکی حوا (مارافسای) که در میان دو صورت فلکی کژدم و صورت فلکی کمان و در گذر برج قوس قرار دارد، عملاً دایره البروج از ۱۳ صورت فلکی عبور می‌کند؛ اما این به‌معنی افزوده شدن بر برج‌های دوازده‌گانه نیست. هر بخش از دایره البروج، نماینده یک برج است. حرکت انتقالی زمین به‌دور خورشید موجب می‌شود که در هر ماه از سال خورشیدی، خورشید ظاهراً درون یکی از این برج‌های دوازده‌گانه قرار بگردد. در این نگاره (تصویر ۷)، بروج دوازده‌گانه در شعاع دایره با زمینه آبی مشخص شده است که هر برج فلکی



تصویر ۷. دایره البروج، فال‌نامه ترکی سلطان احمد اول. (Farhad et al, 2010: 176)



تصویر ۶. صورت فلکی تنین (ازدها)، نسخه خطی صورالکواکب. ۸۰۸-۸۱۸ ه.ش. (URL:4)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

جدول ۱. تطبیق نحوه تصویرسازی برج دوازده گانه فلکی در کتاب صورالکواکب و فال نامه‌های مصور دوره صفویه

برج فلکی	نماد	نام لاتین	ماه شمسی	برج فلکی در صورالکواکب	فال نامه تویقایی سرای	فال نامه سلطان احمد اول	معنای برج فلکی در احکام نجوم
خَمَل	♈	Aries	فروردین	 (URL: ۴)	 (Farhad et al., ۲۰۱۰: ۳۸)	 (Farhad et al., ۲۰۱۰: ۱۷۶)	کسی که تحت نفوذ صورت فلکی برج حمل متولد شده: خندان، سخن گو، ملک طبع، بزرگ منش، خشم آلود، مردانه و عاشق سفر است (بیرونی، ۱۳۶۲: ۳۲۵).
ثور	♉	Taurus	اردیبهشت	 (URL: 4)	 (Farhad et al., 2010: 38)	 (Farhad et al., 2010: 176)	کسی که طالع وی در برج ثور است معمولاً: کاهل، دوراندیش، بردبار، مکار و دارای ابروی خرد، پیشانی بلند، گردن دراز و سیاه چشم و زیرنگر و بینی پهن و سر برآمده (بیرونی، ۱۳۶۲: ۳۲۷).
جوزا	♊	Gemini	خرداد	 (URL: 4)	 (Farhad et al., 2010: 38)	 (Farhad et al., 2010: 176)	صاحب طالع جوزا: پاکیزه و کریم و خداوند لهُو و دوستدار دانش و علم‌های آسمانی با حافظه قوی و دارای سیاست و دورویی، وصف شده است (بیرونی، ۱۳۶۲: ۳۲۷).
سرطان	♋	Cancer	تیر	 (URL: 4)	 (Farhad et al., 2010: 38)	 (Farhad et al., 2010: 176)	گنگی و کاهلی و دورویی از صفات منسوب به سرطان است (مصفی، ۱۳۵۷: ۱۲۱). در کتب احکام نجوم، سرطان، برج کشتی بانان و جوی کنان و آبیاریان است (بیرونی، ۱۳۶۲: ۳۲۸).
اسد	♌	Leo	مرداد	 (URL: 4)	 (Farhad et al., 2010: 38)	 (Farhad et al., 2010: 176)	شادی زندگی، جاه طلبی، غرور و ترقی، دلیری و شجاعت، سخت دلی و جفاکاری و فراموشی را به او نسبت داده و اسد را خداوند سواران و ضرابان و صیادان نامیده‌اند (بیرونی، ۱۳۶۲: ۳۸۳ و ۳۸۷).
سنبله	♍	Virgo	شهریور	 (URL: 4)	 (Farhad et al., 2010: 38)	 (Farhad et al., 2010: 176)	سخت‌و، نیک‌طبعی، نیک‌گویی، بسیار دانی توأم با حکمت، سبکی، بازی، پای کوبی و موسیقی‌دانی. از طبقات مردم: وزیران، مهتران، صاحب‌منصبان، صاحبان حشمت، نویسندگان و رقاصان (همان: ۳۳۷ و ۳۳۸).

ادامه جدول ۱. تطبیق نحوه تصویرسازی بروج دوازده گانه فلکی در کتاب صورالکواکب و فال‌نامه‌های مصور دوره صفویه

معنای برج فلکی در احکام نجوم	فال‌نامه سلطان احمد اول	فال‌نامه تویقایی سرای	برج فلکی در صورالکواکب	ماه شمسی	نام لاتین	نماد	برج فلکی
باندیشه و ادب، جوانمرد، بخشنده و کامل و عادل، مردم‌دوست، شاعر و با اندام معتدل و خوش‌صورت و سپید‌مایلی به گندم‌گونه و سرمه چشم، وزیران و دبیران، مهتران و رقاصان (مصفی، ۱۳۵۷: ۷۷۴).	 (Farhad et al, 2010: 176)	 (Farhad et al, 2010: 38)	 (URL: 4)	مهر	Libra	♎	میزان
برخوردهای ناهنجار، ترش‌رویی و بی‌شرمی، کاهلی، تکبر و نادانی و در عین حال سخاوت و شجاعت (بیرونی، ۱۳۶۲: ۲۳۸-۳۲۷).	 (Farhad et al, 2010: 176)	 (Farhad et al, 2010: 38)	 (URL: 4)	آبان	Scorpius	♏	عقرب
صاحب طالع قوس: ملک‌طبع، رازدار، بخشنده، مکار، متعصب، پاکیزه‌خویش و معجب و نیز مهندس و جهان‌گرد، فراموش‌کار و بسیار اندیشه به کار جهان و بسیار خطا (مصفی، ۱۳۵۷: ۶۰۶).	 (Farhad et al, 2010: 176)	 (Farhad et al, 2010: 38)	 (URL: 4)	آذر	Sagittarius	♐	قوس
خداوند صیادان، بندگان، چاکران و غلامان. صاحب طالع جدی: فراموش‌کاری و سخت‌گیری در رأی و دوست‌دارنده حکمت و خشم‌آلود و بداندیش (بیرونی، ۱۳۶۲: ۳۳۲ و ۳۳۳).	 (Farhad et al, 2010: 176)	 (Farhad et al, 2010: 38)	 (URL: 4)	دی	Capricornus	♑	جدی
در احکام نجوم، این برج دلالت بر اخلاق نیک، تجمل، حرص و پاکیزگی دارد. صاحب طالع دلو بسیار اندیشه و گردکننده طعام، بخیل، پرخواسته و بددل توصیف شده است (بیرونی، ۱۳۶۲: ۳۲۵-۳۲۸).	 (Farhad et al, 2010: 176)	 (Farhad et al, 2010: 38)	 (URL: 4)	بهمن	Aquarius	♒	دلو
بیشتر به‌منظور مدح و بیان تحول سال و تغییر فصل یا اظهار اطلاع در مسائل نجومی و نیز به‌قصد تصنع و اعنات و تناسب، در شعر فارسی فراوان آمده است (مصفی، ۱۳۵۷: ۲۱۴).	 (Farhad et al, 2010: 176)	 (Farhad et al, 2010: 38)	 (URL: 4)	اسفند	Pisces	♓	حوت

(نگارندگان)

جدول ۲. تطبیق استفاده از احکام نجومی در فال‌نامه‌های مصور دوره صفویه

نسخه فال‌نامه	تعداد کل نگاره‌ها	تعداد نگاره‌های مضمون تنجیم	عنوان نگاره	مفهوم احکام نجومی	راهکارهای مشروعیت‌بخشی به پیش‌گویی از طریق احکام نجوم
فال‌نامه طهماسبی (پراکنده)	۳۰	۰	-	-	عدم ارجاع مستقیم به احکام نجومی در تصاویر و تنها اشاره به این مفاهیم در متن فال‌ها
فال‌نامه فارسی موزه تویق‌اپی سرای	۵۹	۹	ماه	تأثیر در رسیدن میوه‌ها و رشدونمو نباتات و قارچ و تولید بعضی از مواد معدنی و رشدونمو حیوانات	استفاده از آیات قرآنی و اشعاری با مضمون دینی- مذهبی در تمام نگاره‌ها
			عطارد	کوکب حکما و طبیبان، شعرا و هوشمندان و دیوانیان و کاتبان، نقاشان، تجار، اهل بازار، دین، پاکی و ادب	
			زهره	کوکب زنان، اهل زینت و تجمل، لهو و شادی، عشق و ظرافت، سخریه و سوگند دروغ	
			خورشید	خرد، معرفت، بزرگواری، غرور، پاکیزگی، طمع برای شهرت، جست‌وجوی نام نیک، آمیختن با مردم، زودخشمی، زودپشیمانی خشم، آرامیدن و بردباری	
			مریخ	ایزدخدای جنگ، کوکب لشکریان و امرای ظالم، دزدان و مفسدان	
			مشتری	کوکب قضات، علما، اشراف، اصحاب و ارباب نوامیس و ترسایان	
			زحل	کوکب پیران و دهقانان، ارباب قلاع، خاندان‌های قدیم، غلامان سیاه، صحرانشینان، مردم سفله، خسیس، زاهدان بی‌علم و موصوف به صفات مکر، کینه، حلق، جهل، بخل، ستیزه و کاهلی	
			بروج دوازده گانه	دوازده برج فلکی که هر کدام با یکی از ماه‌های سال هماهنگ بوده و تعیین‌کننده سعد و نحس ایام است	
اژدها در آسمان	بلعنده خورشید و ماه به‌هنگام کسوف و خسوف				
فال‌نامه فارسی درسدن	۵۱	۲	مریخ	مانند نسخه پیشین	استفاده از شمایل‌های مذهبی در کنار مضامین تنجیم
			صورت فلکی اژدها	مانند نسخه پیشین	



ادامه جدول ۲. تطبیق استفاده از احکام نجومی در فال‌نامه‌های مصور دوره صفویه

راهکارهای مشروعیت‌بخشی به پیش‌گویی از طریق احکام نجوم	مفهوم احکام نجومی	عنوان نگاره	تعداد نگاره‌های مضمون تنجیم	تعداد کل نگاره‌ها	نسخه فال‌نامه
عدم ارجاع مستقیم به احکام نجومی در تصاویر و تنها اشاره به این مفاهیم در متن فال‌ها	-	-	۰	۳۰	فال‌نامه طهماسبی (پراکنده)
استفاده از تصویر فرشته برای القای تقدس و مشروعیت‌بخشی به مضمون تنجیم	سرنوشت انسان بر مبنای وضعیت بروج دوازده گانه و سیارات هفت گانه	دایره البروج	۴	۳۵	فال‌نامه ترکی سلطان احمد اول
	مانند نسخ پیشین	زحل			
	مانند نسخ پیشین	مریخ			
	مانند نسخ پیشین	شیر و خورشید			

(نگارندگان)

## نتیجه‌گیری

مفاهیم مربوط به احکام نجوم در فال‌نامه‌های مصور دوره صفویه، یکی از مضامین مهمی است که در جهت پیش‌گویی، از آن استفاده شده است؛ این مفاهیم شامل بروج دوازده گانه و سیارات هفت گانه می‌شود. در کنار این دو مضمون اصلی، برج‌های فلکی دیگری مانند برج فلکی اژدها که جز بروج دوازده گانه نیست هم دیده می‌شود. با توجه به ممنوعیت استفاده از احکام نجومی در پیش‌گویی از دید نهادهای دینی، در هر نسخه، مواجهه متفاوتی با این ممنوعیت صورت گرفته است. در فال‌نامه نسخه طهماسبی (پراکنده) که اولین فال‌نامه مصور است، از مفاهیم احکام نجومی در هیچ نگاره‌ای استفاده نشده و تنها اشاره به این مفاهیم در برگه متن فال‌ها دیده می‌شود، اما در نسخه‌های بعدی، این مفاهیم به‌طور مستقیم در برخی از نگاره‌ها به‌تصویر کشیده شده است. در فال‌نامه فارسی موزه تویق‌پای سرای، در بالای تمام نگاره‌ها یک آیه قرآنی ذکر شده تا این مفهوم را القا کند که مضمون نگاره با متن قرآن در ارتباط بوده و طریق این ارتباط به این مفاهیم مشروعیت ببخشد. در فال‌نامه فارسی کتابخانه درس‌دان آلمان، همراه تصویرسازی برج فلکی اژدها، از شمایل‌های مذهبی برای مشروعیت‌بخشیدن به مضمون تنجیم نگاره استفاده شده و در فال‌نامه ترکی سلطان احمد اول نیز به‌همراه ترسیم بروج فلکی دوازده گانه و سیارات هفت گانه در نگاره دایره البروج، فرشتگان بال‌داری در حال چرخاندن دایره البروج به‌تصویر کشیده شده تا القاکننده این معنی باشند که اراده خداوند، مسلط بر چرخش کائنات است و از این طریق به مفهوم احکام نجومی به‌کار رفته در نگاره، ماهیت مشروع دینی ببخشند.

در کلیت نگاره‌های این فال‌نامه‌های مصور نیز، فراوانی قابل‌توجه مضامین برگرفته از قرآن و سنت دینی و مذهبی در جهت ایجاد این تلقی است که فال‌نامه، کتابی منطبق بر سنت استخاره و در نتیجه از نظر شرع بدون اشکال است تا از این طریق، در کنار آن دیگر باورها از طریق مضامین غیردینی نگاره‌ها، فرصت حیات بیابند.

1. Astrology
2. Astronomy
۳. همان شخصی که شاهنامه بزرگ ایلخانی را اوراق کرد و در حراجی‌ها فروخت و باعث پراکنده شدن نگاره‌های آن در موزه‌ها و کتابخانه‌های دنیا شد (ریشارد، ۱۳۸۳: ۴۵ به نقل از: آژند، ۱۳۹۵: ۱۵۰).
4. Edgar Blochet
5. Kalender

## منابع و مآخذ

- آژند، یعقوب. (۱۳۸۹). «تأثیر هنرمندان مکتب تبریز در شکل‌گیری و گسترش مکتب استانبول». نشریه هنرهای زیبا\_ هنرهای تجسمی، ۲(۴۱)، ۳۳-۳۸.
- ----- (۱۳۹۴). مکتب نگارگری تبریز و «قزوین\_مشهد». چاپ دوم، تهران: فرهنگستان هنر.
- ----- (۱۳۹۵). نگارگری ایران. چاپ سوم، تهران: سمت.
- آلساندری و همکاران. (۱۳۴۹). سفرنامه ونیزیان در ایران. ترجمه منوچهر امیری، چاپ اول، تهران: خوارزمی.
- احمد پاشا، فریدون. (۱۲۷۴ ق.). منشآت فریدون بیگ. جلد اول، قسطنطنیه.
- اسفندیاری، زینب. (۱۳۹۴). «نجوم در دوران اول عباسی». پژوهش‌های فرهنگی، سال اول (۲)، ۸۵-۱۰۶.
- افشار، ایرج. (۱۳۸۳). «فال‌نامه». فرهنگ مردم، سال سوم (۱۰)، ۷۶-۸۱.
- باقری حسن‌کیاده، معصومه و حشمتی، مهناز. (۱۳۹۳). «پیش‌گویی و طالع‌بینی در متون ایرانی دوره میانه». فرهنگ و ادبیات عامه، سال دوم (۳)، ۱-۲۴.
- بیانی، مهدی. (۱۳۴۲). «مالک دیلمی». پیام نوین، ۵(۱۲)، ۲۱-۳۰.
- بیرونی، ابوریحان. (۱۳۶۲). التفهیم لاوائل صناعة التنجیم. تصحیح جلال‌الدین همایی، چاپ دوم، تهران: بابک.
- ----- (۱۳۶۶). آثارالباقیه عن قرون الخالیه. ترجمه اکبر داناسرشت، چاپ ششم، تهران: امیرکبیر.
- بیکرم، ئی و دیگران. (۱۳۸۴). علم در ایران و شرق باستان (مجموعه مقالات). ترجمه و تحشیه همایون صنعتی‌زاده، چاپ اول، تهران: قطره.
- پورگشتال، هامر. (۱۳۶۷). تاریخ امپراتوری عثمانی. ترجمه میرزا زکی علی‌آبادی، چاپ اول، تهران: اساطیر.
- جلال‌زاده، مصطفی. (۱۹۹۰). سلیم‌نامه. آنکارا: آوگور (ترکی).
- حقی، اسماعیل و چارشی‌لی، اوزون. (۱۳۸۰). تاریخ عثمانی. ترجمه ایرج نوبخت، چاپ دوم، تهران: کیهان.
- حلبی، علی‌اصغر. (۱۳۷۲). تاریخ تمدن اسلام. چاپ اول، تهران: اساطیر.
- ----- (۱۳۷۸). سی قصیده از ناصر خسرو. چاپ نهم، تهران: پیام نور.
- خزائی، محمد. (۱۳۸۶). «صورت‌های فلکی رساله صورالکواکب (۴۰۰ هجری)». کتاب ماه هنر، ۱۰۹ و ۱۱۰، ۷۴ و ۷۵.
- رستگار فسایی، منصور. (۱۳۷۹). اژدها در اساطیر ایران. چاپ اول، تهران: توس.
- رفیعی، احمدرضا و شیرازی، علی‌اصغر. (۱۳۸۶). «هنر دوره سلجوقی، پیوند هنر و علوم». نگره، سال سوم (۵)، ۱۰۷-۱۱۹.
- روسو، پیر. (۱۳۳۷). تسخیر ستارگان. ترجمه رضا اقصی، چاپ اول، تهران: مؤسسه مطبوعاتی علی‌اکبر علمی.
- ریشارد، فرانسیس. (۱۳۸۳). جلوه‌های هنر پارسی. ترجمه روح‌بخشان، چاپ اول، تهران: وزارت ارشاد.
- زرگری، فاطمه و یحیائی، علی. (۱۳۹۳). «تأثیر باورها و نگرش‌های نجومی بر اوضاع اجتماعی و سیاسی ایران در سده‌های چهارم تا نهم ق.». مطالعات اسلامی: تاریخ و فرهنگ، سال چهل و ششم (۹۳)، ۹۷-۱۲۲.
- سجادی، محمدصادق. (۱۳۶۰). طبقه‌بندی علوم در تمدن اسلامی. چاپ اول، تهران: چاپخانه کاویان.
- سرامی، قدمعلی. (۱۳۸۳). از رنگ گل تا رنج خار (شکل‌شناسی داستان‌های شاهنامه). چاپ چهارم، تهران: علمی و فرهنگی.
- سعد سلمان، مسعود. (۱۳۶۲). دیوان. تصحیح رشید یاسمی، چاپ اول، تهران: گلشایی.
- سودآور، ابوالعلاء. (۱۳۸۰). هنر دربارهای ایران. ترجمه ناهید محمدشیرانی، چاپ اول، تهران: کارنگ.
- سیپک، ییری. (۱۳۸۴). ادبیات فولکلور ایران. ترجمه محمد اخگری، چاپ اول، تهران: سروش و مرکز.





- شاردن، سرژان. (۱۳۳۸). *سیاحت‌نامه شاردن*. ترجمه محمد عباسی، چاپ اول، تهران: امیرکبیر.
- صرفی، محمدرضا و افاضل، راضیه. (۱۳۸۹). «بازتاب باورهای نجومی در خمسه خواجه کرمانی». *کهن‌نامه ادب پارسی*، سال اول (۲)، ۵۳-۷۶.
- صوفی، عبدالرحمان. (۱۳۵۱). *صورالکواکب*. ترجمه خواجه نصیرالدین طوسی، چاپ اول، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- غفوری، رضا. (۱۳۹۴). «نبرد قهرمان با اژدها در روایت‌های حماسی ایران». *ادب پژوهی*، ۹ (۳۴)، ۹۹-۱۲۸.
- قهاری گیگلو، مهناز و محمدزاده، مهدی. (۱۳۸۹). «بررسی تطبیقی صور نجومی در نسخه صورالکواکب و آثار فلزی سده‌های پنجم تا هفتم هجری». *نگره*، ۵ (۱۴)، ۲۲-۵.
- گلسرخ، ایرج. (۱۳۷۷). *تاریخ جادوگری*. چاپ اول، تهران: علم.
- لسان، حسین. (۱۳۵۶). «تفال و تطیر». *هنر و مردم*، ۱۸۳ (۱)، ۳۰-۵۷.
- لوبون، گوستاو. (۱۳۵۴). *تمدن اسلام و عرب*. ترجمه سید هاشم حسینی، چاپ اول، تهران: کتابفروشی اسلامیه.
- مسعودی، ابوالحسن. (۱۳۶۳). *التنبيه والاشرار*. ترجمه ابوالقاسم پاینده، چاپ اول، تهران: علمی و فرهنگی.
- مشکور، محمدجواد. (۱۳۵۷). *فرهنگ تطبیقی عربی با زبان‌های سامی و ایرانی*. چاپ اول، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- مصفی، ابوالفضل. (۱۳۵۷). *فرهنگ اصطلاحات نجومی، همراه با واژه‌های کیهانی در شعر فارسی*. چاپ اول، تبریز: مؤسسه تاریخ و فرهنگ.
- نیکنام، حسین میرزا و صرفی، محمدرضا. (۱۳۸۱). «پیش‌گویی در شاهنامه». *مطالعات ایرانی*، سال دوم (۲)، ۱۵۳-۱۷۲.
- ورجاوند، پرویز. (۱۳۸۵). *کاوش در رصدخانه مراغه و نگاهی به پیشینه دانش ستاره‌شناسی در ایران*. چاپ دوم، تهران: امیرکبیر.
- هلزی هال، لوییس ویلیام. (۱۳۶۳). *تاریخ و فلسفه علم*. ترجمه عبدالحسین آذرنگ، چاپ اول، تهران: سروش.
- Allen, Richard H. (1963). *Star Names: Their Lore and Meaning*. New York: Dover publications.
- Canby, Sh. (1999). *The Golden Age of Persian Art*. London: British Museum Press.
- Farhad, Massumeh et al. (2010). *Falnama: The Book of Omen*. USA: Thames & Hudson.
- Tokatlian, Armen. (2007). *Falnamah: Livre Royal des Sorts*. Paris: Gourcuff Gradenigo.
- URL 1: [http://p3.storage.canalblog.com/34/04/119589/113049905\\_o.jpg](http://p3.storage.canalblog.com/34/04/119589/113049905_o.jpg) (access date: 2017/10/27).
- URL 2: [https://digital.slub-dresden.de/data/goobi/407518959/407518959\\_tif/jpegs/00000041.tif.large.jpg](https://digital.slub-dresden.de/data/goobi/407518959/407518959_tif/jpegs/00000041.tif.large.jpg) (access date: 2017/10/28).
- URL 3: [https://digital.slub-dresden.de/data/goobi/407518959/407518959\\_tif/jpegs/00000096.tif.large.jpg](https://digital.slub-dresden.de/data/goobi/407518959/407518959_tif/jpegs/00000096.tif.large.jpg) (access date: 2017/10/28).
- URL 4: <http://gallica.bnf.fr/ark:/12148/btv1b60006156/f1.image.r=suwar%20al-kawakib> (access date: 2018/01/13).



Received: 2017/12/02

Accepted: 2018/07/08



## Visual solutions in visualizing and legitimizing astrology in illustrated Falnama of the Safavid era

Saied Akhavani\* Fattaneh Mahmoudi\*\*

### Abstract

Belief in the effect of the status of celestial bodies on human life events has long been common among different ethnic groups. The Astrological Concepts in Iranian art have been used as decorative engraving in metalworking and other applied arts in different periods but in the illustrated Falnama of the Safavid era, these concepts were not used as decorations, but in their original nature, as a tool for predicting. Forecasting through astrology in the Islamic period has been faced with the prohibition of religious institutions. With regard to the determinant role of religion in the Safavid dynasty, this question is raised that how forecasting through astrological concepts were started in illustrated Falnama of the Safavid era and what steps have been taken to legitimize it against the prohibition of religious institutions? In this paper, to address this issue with a descriptive-analytical-comparative method, four Illustrated Falnama: the Dispersed Falnama, the Topkapi Persian Falnama, the Dresden Falnama and the Falnama of Ahmet I have been studied. In the present study, the presence of the concepts of astrology in the images of these four manuscripts was first examined, then the way of illustrating the concepts of astrology and the legitimization strategies are adapted to this prediction method. The result of this study indicates that the astrological sentences in prediction were not used in the oldest version of the Falnama due to the religious prohibition and were used in the augury text. But in the next manuscripts, these concepts are directly depicted in the drawings, by using some solutions such as the use of Quranic verses in each image, religious icons along with astronomical theme, and also angels to legitimize the use of Astrological sentences in prediction.

**Keywords:** Painting of the Safavid era, Illustrated Falnama, Belief in forecasting, Astrology visualization, visual solution of legitimization.

---

\* MA art research, university of Mazandaran, Iran.

\*\* Associate Professor of art and architecture faculty, University of Mazandaran, Iran.